

تاریخ سیاسی-اجتماعی انگالی

سرزمین انگالی

علیرضا خلیفهزاده

شهرستان بوشهر دارای دو دهستان انگالی و حومه (چاه کوتاه) می‌باشد.^۱ دو راه موصلاتی مهم از اراضی این دو دهستان می‌گذشته است یکی راه خشکی (بوشهر- چاه کوتاه- برازجان) و دوم راه دریایی (بوشهر- شیف- برازجان) است^۲ که برای حمل محصولات کشاورزی و... مناطق شبانکاره و رود حله^۳ و مبادلات تجاری دیگر شهرهای ایران مسیر کوتاه‌تر^۴ و مطمئن‌تری بوده است. از این‌رو انگالی همواره نقش مهمی در تحولات خلیج‌فارس داشته است.

این بلوک دارای تعداد متفاوتی آبادی بوده که در منابع دو قرن اخیر هنگام بر شمردن آنها، پژوهشگران، گاه از دهستان‌های اطراف چند روستا بر تعدادشان افروده‌اند و گاهی برخی از روستاهای آن را در شمار دهستان‌های مجاور آورده‌اند.^۵ (ر.ک: جدول پیوست ۱)

اما ۱۶ آبادی متعلق به محدوده بلوک انگالی از این قراراند:

۱-احشام حسن (خشم کل حسن);

۲-احشام شمالی (خشم شاه علی);

۳-انگالی (محمد شاهی);



۴- خَشَم کل برخوردار (احشام شیخی، خالی از سکنه)؛

۵- تل بھی؛

۶- حسن نظام؛

۷- حیدری؛

۸- زردکی بزرگ؛

۹- زردکی کوچک؛

۱۰- زندان؛

۱۱- سهیلی؛

۱۲- شیف؛

۱۳- نوکار گزی؛

۱۴- نوکار نخلی (نوکال مخی)؛

۱۵- هپلو (در حدود ۵۰۰ متری احشام حسن- ویران شده)؛

۱۶- هفت جوش.

اما علاوه بر این آبادی ها که در محدوده تاریخی و عرفی انگالی قرار دارند در تقسیمات سیاسی اخیر (دهه ۶۰) روستاهای دهستان رود حله جنوبی را نیز به این دهستان از شهرستان بوشهر افروزده اند که شامل این آبادی ها است:

۱- بن حماد؛

۲- حمود؛

۳- رستمی؛

۴- عسکری؛

۵- فراکه؛

۶- قلعه سوخته؛

۷- کره بند (مرکز کنونی دهستان انگالی)؛

۸- مهرزی (محرزی)؛



۹- نو درار.

در این پژوهش چون تکیه بر حدود تاریخی و عرفی انگالی مشهور به (محمد شاهی) داریم، هر جا انگالی نوشته می شود منظور همان محدوده جغرافیایی ۱۶ آبادی نامبرده در بخش اول است.

حدود جغرافیایی انگالی

این بلوک از شمال با قسمتی از رودخانه حله همسایه است که از کنار اراضی کشاورزی روستای دشتی اسماعیلخانی از دهستان شبانکاره و دهستان زیارت می‌گذرد و در غرب آن آبادی‌های دهستان رود حله جنوبی قرار دارد. بر کرانه جنوبی آن همواره خلیج فارس موج می‌زند و گذرگاه آبی (دریایی) شیف بوشهر وجود دارد و در شرق آن دهستان حومه (چاه کوتاه) واقع شده است.^۶ طول انگالی از شمال به جنوب ۱۵ میل و عرض آن بین ۵ تا ۱۰ میل کم و زیاد می‌شود سطح زمین آن هموار است ولی در شیف و حسن نظامی و تل بهی کمی از سطح زمین بر جسته‌تر می‌باشد.^۷

آب و هوای

هوای آن گرم و مرطوب و در تابستان بادهای گرم (تشباد) و در زمستان بادهای سرد می‌وزد.^۸ کشت محصولات کشاورزی دیمی در آن رواج دارد. همسایگی انگالی با پنج گروه حکام محلی بوشهری، چاه کوتاهی، برازجانی (دشتستانی)، شبانکارهای و رود حله‌ای، تاریخی پرتلاطم و پرماجرای را برای آن رقم زده است که در بخش حکام سیاسی انگالی به آن پرداخته خواهد شد.

وجه تسمیه

برخی واژه‌انگالی را واژه‌ای پرتغالی همانند آنگولا، مستعمره پرتغال در آفریقا، می‌دانند و بی‌آنکه به معنای آن پرداخته شود این نام را وامانده از پرتغالی‌هایی می‌دانند که در هنگام حضور پرتغالیان



در خلیج فارس (۹۱۲-۱۰۳۱ق) و سکونت (?) خانوارهایی از آنان در این منطقه رواج یافته است.^۹

نظریه‌ای دیگر در همین راستا انگلی را واژه‌ای پرتغالی ولی مشتق از نام اقوام انگل می‌داند، انگل‌ها با مهاجرت از اروپای غربی به جزیره، آنجا را به انگلند یا انگلیس مشهور کردند، که این نظریه نیز مؤید حضور اقوامی اروپایی در ناحیه انگلی است.^{۱۰}

دو وجه تسمیه فوق متأثر از نقل قول مؤلف فارسنامه ناصری از قونسول هلند در بوشهر است که بدون اشاره به پرتغالیان و آمیخته با کمی اشتباه نسبت به دوره تاریخی حضور هلندیان در خلیج فارس این گونه گزارش می‌دهد: «در زمانی که سواحل دریای فارس پیش [?] از زمان سلاطین صفویه طاب ثراهم در تصرف دولت ولنديز [?] بود، چندین خانوار از ولنديز و هولند در سامان حیاط داود و گناوه توطن داشتند و بعد از رفتن سپاه هولند و ولنديز از خاک فارس این خانوارها که مسلمان شده بودند، در جای خود بماندند و با آن که هوای این نواحی بسیار گرم است، باز هنوز کبودی چشم و زردی موی و سفیدی بدن را دارند.»^{۱۱}

فارسنامه ناصری اگر چه به حیات داود و گناوه و سکونت هلندیان اشاره‌ای قابل تردید کرده است ولی به انگلی و سکونت پرتغالیان هیچ اشاره‌ای نکرده است احتمالاً دکتر امان الهی بهاروند نیز با نگاهی به منبع فوق و برخی تحقیقات محلی معتقد است:

(وجه تسمیه این دهستان به درستی مشخص نیست، اما گفته می‌شود در زمان صفویه و یا شاید هم اندکی پیشتر [?] تعدادی از خانوارهای هلندی در این منطقه مستقر شده و... دقیقاً مشخص نیست که آیا رابطه‌ای بین واژه انگلی (انگلیسی؟) و سکونت هلندی‌ها وجود دارد یا نه؟)^{۱۲}

... و اما اینجانب از منظری محلی و برخی مشخصه‌های زبان‌شناسی مردم این سامان (گویش لری) حدس می‌زنم که کلمه انگلی دارای سه بخش است: (انگ + ا + لی) برای (انگ) در فرهنگ لغات این سه معنی متفاوت وجود دارد:

یکی «شیره و عصاره» دیگری «مر آب که کوزه‌گران از سفال سازند و لوله‌ای که از سفال می‌سازند و در آبراهه چندین عدد آن را به هم وصل کنند». و سومین معنی آن «نشان کالای تجاری» است.



(آ) پسوندی به معنی خیلی است مانند سردا: خیلی سرد است؛ سوزا: خیلی سبز است.
 پسوند (لی) این (پسوند خطابی)، بعد از اسمی می‌آید که آخر آنها صوت «آ» باشد و مفهوم (عزیز، محترم و خوب) را دارد مانند: (رضالی = رضای عزیز) و (کُکالی = برادر عزیزم !)
 به دلیل وجود نخلستان‌های دیمی در انگالی که شیره خرمای آن از نخلستان‌های آبی نواحی هم‌جاوایش مرغوب‌تر است شاید انگالی به معنی «شیره [خرمای] خیلی خوب» باشد.
 دومین وجه تسمیه‌ای که حدس زده می‌شود؛ این است که چون این ناحیه تنها آبراهه‌ای است که می‌توان از آن به بوشهر رفت و آمد کرد شاید انگالی به مفهوم «آبراهه خیلی خوب» باشد.

طوابیف انگالی

لوئیس پلی ۱۸۶۴ م / ۱۲۸۰ق از پنج طایفه موشستونی [مشتونی یا مشتانی]، حیدری، عmadینی، موم بری [جمیری] و انگالی نام می‌برد.^{۱۳}

دکتر امان الهی بهاروند عمدت‌ترین تیره‌های انگالی را محمدشاهی، حیدری، جمیری و عmadینی می‌داند^{۱۴} و معتمدین محلی طایفة حسامی را نیز در کنار این چهار طایفه برمی‌شمارند.^{۱۵} طایفة محمدشاهی همان انگالی است و جمیری به جمهوری نیز شهرت دارد.

البته تیره‌های دیگری نیز هست که دارای جمعیت کمتری می‌باشند مانند کاید های نوکال (ولاد امیر شیخ) و اگرچه این دهستان یکی از مناطق لرنشین است^{۱۶} اما اعرابی از بنی تمیم (اعراب ساکن در رود حلہ) و طایفة دموخ دواسری یا اصلاح کویتی در جنوبی‌ترین بخش انگالی در جزیره شیف سکونت دارند.^{۱۷} لوریمر (۱۹۰۶م) هم انگالی‌ها را به طوابیف ایرانی، ایرانی غیر مشهور، لرهای بهبهانی، اعراب بنی تمیم و مهاجرینی از طایفة کعب هندیجان، برازجان، کازرون و دالکی تقسیم‌بندی می‌کند.^{۱۸}

ساکنان انگالی

لوریمر؛ ریشه بیشتر مردم اینجا را از لرهای بهبهان [کوه گیلویه] می‌داند.^{۱۹}



احمدخان انگالی (متوفی ۱۳۳۰) معتقد بود که طایفه انگالی مشهور به مُهمدشاہی از خرمآباد به این ناحیه آمده‌اند؛ استاد حسینقلی انگالی، عضو هیئت علمی دانشگاه، ضمن نقل قول روایت فوق؛ خود روایتی را می‌پذیرد که با استناد به چشمان رنگی و پوست روشن خوانین انگالی، این نظریه را مطرح می‌کند که آنها از نوادگان پرتغالیانی هستند که در سده‌های دهم و یازدهم هجری در این کرانه از خلیج فارس سکونت گزیدند.

اما یکی دیگر از مطلعین تاریخ شفاہی انگالی، خاستگاه اولیه طایفه مهدشاہی (انگالی) را منطقه نودان، در کوهمره فارس، می‌داند^{۲۰}، جایی که سرچشمه‌های اولیه رودخانه حله از آن نشت می‌گیرد.^{۲۱}

طایفه عمادینی خود را تیره‌ای از ایلات خضری لیراوی می‌دانند که دارای دو شاخه کاحسن و کا عبد محمد است. این دو از فرزندان کاباور (قاید باور) از فرماندهان لیراوی‌ها در هنگام نبرد با کریم‌خان زند (محرم ۱۱۷۸) می‌باشند.^{۲۲}

حیدری‌ها نیز خود را کهن‌ترین طوایف انگالی می‌دانند و معتقد‌ند که پیش از طایفه محمد شاهی و در دوره صفویه حکومت سیاسی انگالی در دست این طایفه بوده است. لوریمر حیدری‌ها را از طوایف کعب هندیجان می‌داند.^{۲۳} [؟]

بنابراین در هیچ کدام از منابع دست اول به پرتغالی بودن طایفه انگالی اشاره‌ای نشده است ولی در دهه‌های اخیر در برخی منابع تحقیقاتی این باور راه یافته است^{۲۴} و اینکه برخی از منابع به لری‌ای بهبهان اشاره کرده‌اند مشخص است که برخی از طوایف ساکن در این منطقه ریشه در منطقه کهگیلویه دارند مانند عمادینی‌ها.

جمعیت

کازرونی (۱۲۵۳ق) اهالی شیف راسی- چهل خانه عرب می‌داند^{۲۵} اما به انگالی و دیگر روستاهای هیچ اشاره‌ای نمی‌کند، پلی (۱۲۸۰ق) ساکنان این دهستان را ۱۹۵ خانوار می‌داند^{۲۶} و ج.ج. لوریمر (۱۳۲۴م/۱۹۰۶) جمعیت آنجا را حدود ۲۷۰۰ نفر می‌داند.^{۲۷}



حکومت سیاسی انگالی

حکومت این منطقه در دوره صفویه در دست طایفه حیدری، بنیان‌گذار روستای حیدری بوده و اگرچه سندي از آنان در دست نیست ولی آگاهان به تاریخ محلی از دو تن از خوانین این خاندان به نام‌های آزادخان و بهزادخان فرزند کامحمد باقر نام می‌برند و از آنان همین را به یاد دارند که وقتی بر بالای قلعه «کا واویلا» طبل می‌زدند حتی از شیف هم تفنگچیان می‌آمدند و هر کس دیر می‌آمد مجازات می‌شد چون بر مردم ظلم می‌کردند خیلی زود پایه‌های حکومت آنان ساخت شد.

آخرین خان حیدری، هرساله برای اجراء حکومت انگالی به همراه منشی اش ملا محمد پسر حاج حسنعلی به شیراز می‌رفت. این خان در اوخر عمر به دلیل اینکه نایینا شده بود چهار سال پیاپی ملا محمد را به تنها‌ی نزد حاکم فارس می‌فرستاد. منشی نامبرده که اهل نودان بود و به اتفاق برادرانش در انگالی سکونت داشت بی‌آنکه حرفی بزند حکومت انگالی را در آن چهارساله به نام خود اجراء می‌کرد و پس از فوت خان، حکم خود را آشکار کرد.

از آن تاریخ تا دهه‌های اخیر فرزندان ملا محمد بر این ناحیه حکومت کردند.^{۲۸} چه این روایت شفاهی را بخواهیم پیدیریم چه از آن چشم‌پوشی کنیم به طور مشخص و مستند از شخصی به نام محمد جعفر که جد خوانین معاصر انگالی شناخته می‌شود قبالت خرید یک قطعه زمین در سال ۱۱۷۱ق موجود است که طبق شجره‌نامه این خاندان، محمد جعفر نامبرده ششمین نسل از فرزندان ملا محمد است. (ر.ک: شجره‌نامه پیوست)

قاید محمد جعفر (۱۱۷۱-۹۱۴۰)

یک قبالت خرید زمین به تاریخ هشتم ربیع المولود ۱۱۷۱ق / ۲۰ نوامبر ۱۷۵۷م «دایر بر انتقال قسمتی از اراضی انگالی ملکی شیخ قاید امیرشیخ و قاید مراد به محمد جعفر» در دست می‌باشد.^{۲۹}

احمدخان انگالی در مکتوبه‌ای که خطاب به وزارت مالیه نوشته این شخص را جد خود معرفی می‌کند.^{۳۰}



این سند نشان می‌دهد که قايد محمد جعفر مشهور به «کامچ فر» ساکن روستای انگالی بوده، جایی که به عنوان مرکز حکومت خوانین انگالی شناخته شده است.

حسینقلی خان اول (مقتول ۱۲۴۹)

از این شخص سندی به تاریخ ۲۲ صفر ۱۲۴۳ق / ۲۰ سپتامبر ۱۸۲۷م دایر بر انتقال دو گاو اراضی بخش کار واقع در مشرق خانه حسینقلی خان ولد محمد جعفر موجود است.^{۳۱}

ظاهراً حسینقلی خان نخستین چهره از خاندان انگالی (طایفه محمد شاهی) است که در دوره فتحعلی شاه قاجار عنوان ضابطی بلوك انگالی و لقب (خان) گرفته است. حسینقلی خان از متخدان شیخ عبدالرسول خان آل مذکور (۱۲۴۷ - ۱۲۳۰ق) بود و از طرف خوانین برازجان متهم بود که در قتل سالم خان برازجانی نقش داشته است.^{۳۲}

چگونگی قتل حسینقلی خان

مظفرخان دشتی با دو تن از خوانین تنگستان؛ حسن خان و حسین خان مخالف بود^{۳۳} و آنها را از تنگستان بیرون کرد. آن دو نیز به حسینقلی خان انگالی معروف به ابوقداره^{۳۴} که با حکومت بوشهر دوست بود پناه آوردند، او به نزد شیخ نصر دوم حاکم بوشهر رفت و شیخ نیز در ظاهر وساطت خان انگالی را پذیرفت و قول داد در صورت حضور در بوشهر حکومت تنگستان را به آن دو خواهد داد. اما حکومت بوشهر خلف وعده کرد و با اشاره ای به تفنگچیان دستور قتل آن دو خان تنگستانی را صادر کرد. حسینقلی خان که در دام پیمان‌شکنی شیخ نصر گرفتار شده بود دست به شمشیر برد ولی او را نیز مهلت ندادند و «درویش» نامی او را کشت. سپس پیکرش را به انگالی آورده و اهالی انگالی که مظفرخان دشتی را عامل اصلی قتل ضابط خود می‌دانستند آماده لشکرکشی به دشتی شدند و تنگستانی ها نیز با آنها متحد شدند و به اتفاق به سامان دشتی رفتند. دشتی ها نیز به منظور مقابله، لشکری آراسته و با ترفندی نظامی نزدیک یک مرداب شب را توقف می‌کنند اما انگالیان با اطلاع از مرداب به آنها شیخون می‌زنند، دشتی ها را محاصره می‌کنند و مظفرخان را در حالی که در باتلاق گیر افتاده بود سه نفر از طایفه حیدری با سرپرستی



یک نفر به نام «حاج ظهراپ» سر مظفرخان را می‌برند و می‌آورند بر دروازه انگالی آویزان ^{۳۵} می‌کنند.

به هنگام قتل حسینقلی‌خان اول چون پسرش حسینقلی‌خان دوم به دنیا نیامده بود تیمورمیرزا پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما فارس، حکومت انگالی را طی حکمی به رضاخان برادرِ خانِ مقتول واگذار کرد.

رضاخان انگالی (۱۲۷۸-۱۲۴۹ق)

رضاخان دومین فرزند قاید محمد جعفر است که پس از پدر و برادر به مدت سی سال بر بلوك انگالی حکومت نمود. قدیمی‌ترین حکم سیاسی که از این خاندان باقی مانده، حکم تیمور میرزا حسام الدله در ذیقعده ۱۲۴۹ق / مارس ۱۸۳۴م مبنی بر مقاطعه دادن مالیات سالیانه انگالی به رضاخان، ضابط آنجا، در مبلغ ۳۰۰ تومان است که در حاشیه آن حکم پنجاه تومان از همان مبلغ به عنوان مواجب به ایشان تعلق می‌گیرد. چون این حکم در شناخت تاریخ سیاسی انگالی برای پژوهشگران با اهمیت و منحصر به فرد می‌باشد متن کامل آن ارائه می‌شود.

متن حکم:

«حکم تیموری شد

افکَّند در فضای عالم نور

سمع بزم شهنشهی، تیمور

آن که نظر به وفور مرحمت و عنایت در ماده عالی جاه رفیع جایگاه صداقت و ارادت آگاه

رضاخان

لهذا در هذه السنہ یونت ئیل خیریت تحویل[۱۲۱۳خورشیدی] ضبط قریءه انگالی را به مال المقاطعه به مبلغ سیصد تومان تبریزی نقد به او محول و مرجوع فرمودیم که به نحوی که شاید و باید در جمع آوری رعایا و برایا و وصول و ایصال وجه دیوانی لازمه دقت و سعی خود را به منصه ظهور رسانیده و در ازای شغل مذکوره مبلغ پنجاه تومان تبریزی نقد به صیغه مواجب در وجه او مکرمت فرمودیم که موافق مواجب و مستمری دیوانی که معمول است از قرار برات به



مهر نواب عالی به حواله عالی جاه مشارالیه را ضابط بالاستقلال خود داند، از سخن و صلاح حسایی او تجاوز نورزند.

عالی جاهان رفیع جایگاهان مستوفیان رقم مبارک را در دفاتر ثبت و ضبط نمایند و انگالی را به عالی جاه مشارالیه مرجع شمارند به مبلغ پنجاه تومان مواجب از قرار معمول دیوانی مطابق برات نواب عالی در وجه او کارسازی نمایند. زیاده از این چه مقرر داریم و در عهده شناسد. فی

شهر ذیقعدة الحرام سنّة ۱۲۴۹

[مهر] حسام گردن گردنشان بُوَدْ تیمور

[حاشیه] مقررآن که عالی جاهان مستوفیان به همه ساله از قرار همین رقم مبارک، مبلغ پنجاه تومان مواجب عالی جاه رضاخان را بدون برات به خرج ابواب جمعی مشارالیه مجری و محسوب (ممول؟) دارند.^{۳۶}

روایت‌های محلی دوره حکومت رضاخان را این‌گونه تشریح می‌کند که این خان انگالی نخستین کسی است که قلعه انگالی را بنیان می‌نهد. اما وقتی حسینقلی خان دوم بزرگ می‌شود میان او و عموبیش رضاخان اختلاف می‌افتد و او منطقه انگالی را به دو بخش نامساوی «پاچه» و «پارود» تقسیم می‌کند و به رضاخان پیشنهاد می‌کند که، طرف پارود و قلعه انگالی را که دارای وسعت کمتری است می‌خواهی یا قسمت بزرگتر را؟

رضاخان که خطرات رقیب را جدی می‌دانسته، «پاچه» را بر می‌دارد و در روستای نوکار اقامت می‌گزیند.^{۳۷} ولی یک سند از ربیع الثانی ۱۲۷۸ نشان می‌دهد که این تقسیم بندی هم خان جوان را قانع نکرده و او با حمایت حاکم فارس، بوشهر؟، عرصه را چنان بر خان پیر تنگ کرده که مجبور به ترک انگالی و حکومت آن شده است. این حکم نشان می‌دهد که علاوه بر نا آرام بودن اوضاع سیاسی این ناحیه، اوضاع اجتماعی آن نیز مشوش بوده و برخی از گروهها «از خانه‌های اصلی خودشان جایه جا شده» و به دیگر بلوک‌های مجاور پناه برده اند.

(ظاهراً) خاندان رضاخان پایان غم انگیزی داشته اند، یکی از فرزندان او توسط عmadینی‌ها به حمایت از حسینقلی خان دوم کشته می‌شود، شش تن از پسران او نیز به هنگام سکونت در نوکار بر اثر بیماری در «سال آزاری» مردند و فقط پسرش «کا حسنعلی» بر جای ماند که دو پسر داشت:



کاحسین و حاج مَجَّ فَر (حاج محمد جعفر) که کاحسین بدون ازدواج درگذشت و حاجی نامبرده نیز فقط صاحب دو دختر شد).

حسینقلی خان دوم (متولد ۱۲۴۹ق - ۹۱۳۰ق)

در ربيع الثاني ۱۲۷۸ق / اکتبر ۱۸۶۱م طی حکمی، ضابطی انگالی را از دست عمویش رضاخان پس گرفت.
متن حکم:

«عالی شأنان، رعایا و ریش سفیدان انگالی را قلمی می دارد که چون عالی جاه رضاخان از بابت خریت و بخت بد برگشتگی بدون سبب و جهت خانه و زندگی خود را گذارد، فرار نموده با وجود این که سرکار نواب مستطاب اشرف والا روحی فداه تا به حال به هیچ کس بی التفاتی و بی مرحمتی نفرموده اند چنان چه رضاخان خدمت‌گزاری و جان‌ثاری می‌کرد مورد التفات و مراحم سرکاری می‌شد، این بود که از راه خرافت، خود را خانه خراب کرد، وقوع این فقره باعث ازدیاد حرمت و ترقی عالی جاه، عزت و صداقت همراه حسینقلی خان [دوم] گردید که حق به مرکز خود قرار گرفته باشد.

زیرا که انگالی خانه مرحوم حسینقلی خان [اول] بوده است، پس از فوت مرحوم مذکور به علت صغر سنِ حسینقلی خان دیوانیان عظام اعمام او را نایب او گماردند که پس از (آن که سن) مشارالیه به حد تکلیف برسد، امر دیوانی انگالی را به خودش واگذار فرمایند.

بنابر علیه [این؟] در این وقت رتق و فتق امور رعیتی شما ها را این جانب به عالی جاه مشارالیه محول و مرجوع نموده ام که از قول او همگی شما ها اطمینان داشته باشید و هر کس از هر جا که باشد در کمال اطمینان در خانه خودتان آرام داشته باشید، اگر کسی از شما ها از خانه اصلی خودتان جایه جا شده اید اکنون در کمال خواطر [خاطر] جمعی معاودت نمایید.

از مرحمت سرکار نواب اشرف والا روحی فداه امیدوار باشید و ان شاء الله چند یوم دیگر عالی جاه حسینقلی خان را می خواهیم، خلعتی او را خواهم داد. شهر ربيع الثاني ۱۲۷۸ق»^{۳۸}
(نام صادر کننده حکم در متن رونوشت نیامده است.)



یک سند دیگر از این خان در دست است و آن قبله خریداری اراضی موروثی چم و پور و صحراء، واقع در «انگالی» متعلق به حیدر ولد محمد امین و خواهرش مسماة به «ماه خانم» توسط حسینقلی خان در تاریخ ۲۲ ذیقعده ۱۲۶۷ق / ۱۸ سپتامبر ۱۸۵۱م است.^{۳۹} لوئیس پلی در سومین سال از ضابطی او گزارش می‌دهد که حسینقلی خان ضابط انگالی است و ۷۵۰ تومان سالانه مالیات پرداخت می‌کند.^{۴۰} فارسنامه ناصری نیز ضابط انگالی را حسینقلی خان می‌نامد.^{۴۱} حسینقلی خان دوم دارای پنج پسر به نام‌های عباسقلی خان (در زمان حیات پدر درگذشت)، جمال‌خان، حاج خانعلی خان، امیر‌خان، جعفر‌خان بود.

حاج حسنعلی خان (؟۱۳۰۴)

حاج حسنعلی خان سومین فرزند قاید محمد جعفر با وجود کهولت سن پس از حسینقلی خان دوم فقط یکسال ضابط انگالی بود. حاج حسنعلی خان توسط احمد‌خان پسر مرحوم عباسقلی خان به قتل رسید که شرح ماجرا بدین گونه است. به دلیل اینکه حاج حسنعلی خان، شخصی بنام کا حسین را به قتل رسانده بود احمد‌خان که جوان و جویای نام و دربی تصرف ضابطی انگالی بود از پی قتل خان پیر برآمد او قتل کا حسین را بهانه کرد و با تحریک کاعلی مراد و کل مراد فرزندان کا حسین، حسنعلی خان را در اقدامی هماهنگ و هم زمان به ضرب گلوله از پا درآوردند.^{۴۲}

وقایع دوره حکومت محمد‌خان انگالی ضبط رود حله

محمد‌خان پسر حاج حسنعلی خان نواحی تحت نفوذ خوانین انگالی را گسترش داد. او پس از در گذشت شیخ صالح سوادی که از اعراب رودحله و ضابط آنجا بود با حمایت حسینقلی خان دوم و پدرش، کلانتری رودحله را نزد دولت اجاره کرد که این دوره تا هنگام قتلش در سال ۱۳۰۹ق ادامه داشت.^{۴۳}



ضابطی برازجان

محمدخان انگالی علاوه بر رودحله، با حمایت نوذر میرزا چند روزی ضابطی برازجان نیز به او واگذار شد.

طبق نامه ای که در ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ سعد الملک به رضا قلی خان داده است نواب نوذر میرزا در سال ۱۳۰۶ق از سوی معتمد‌الدوله اویس میرزا حاکم فارس، حکومت دشتی و دشتستان در دستش بود. محمد حسن خان سعد الملک حکمران بنادر و جزایر خلیج فارس (۱۳۰۵-۱۳۰۸ق) در گزارشی اطلاع می‌دهد که «نوذر میرزا در غیاب موکب ناصر الدین شاه در سفر فرنگستان فتنه‌ها کرد، عاقبت مابین خوانین برازجان و رود حله و انگالی ده نفر را به قتل رساند». ^۴ این موضوع اشاره به جنگی دارد که میان محمدخان انگالی و علی خان برازجانی روی داده محمدخان انگالی که در این سالها حکومت رود حله را در دست داشت، ضامن علی خان برازجانی برای پرداخت مالیات معوقه شد که به دلیل ۷ سال قحطی پیاپی خان برازجان نتوانسته بود تعهدات خود را عملی سازد.

ظاهرآ در انقضای مهلت مقرر حاکمیت برازجان را نواب نوذر میرزا حاکم دشتی و دشتستان به محمدخان انگالی واگذار می‌کند. محمدخان به منظور تصرف برازجان به آنجا قشون می‌برد که نخست با مقاومت شکننده علی خان برازجانی رود رو می‌شود و به هنگامی که عیاسقلی بگ از «کلمه» به حمایت از او می‌آید، این جنگ بیش از ۱۵ روز (حدود یک ماه) به طول انجامید که منجر به عقب‌نشینی نیروهای انگالی و رود حله شد. اندکی بعد علی خان که قادر به پرداخت مالیات نبود، از برازجان با تنی چند از خواص به کوه‌های کیسکان پناه برد و محمدخان انگالی به اتفاق نوذر میرزا و قشون دولتی همرا، وارد برازجان شدند، نوذر میرزا، در میدان مرکزی شهر مقابل حمام سالم خانی در میان انبوهی از ساکنان برازجان، محمدخان انگالی را به عنوان ضابط برازجان معرفی کرد. برازجانی‌ها که کینه انگالی‌ها را از سال‌ها پیش در دل داشتند و حتی ضابط اسبق انگالی (حسینقلی خان اول) را هم دست قاتلین سالم‌خان برازجانی (مقتول ۱۲۴۶ق) می‌دانستند. این معرفی با مخالفت آنها روپرورد و روز بعد نوذر میرزا ناچار پس از عزل علی خان (از تیره محمد حسن خان) کلانتری برازجان را به میرزا حسین خان پسر میرزا اسدخان



برازجانی (از تیره ابوالحسن خان) واگذار کرد. برخی از محققان محلی به تحریکات و نقش کنسول انگلیس نیز در این ماجرا اشاره می‌کنند.^{۴۵}

احمدخان انگلی

احمدخان انگلی فرزند عباسقلی خان در حدود ۱۲۴۹ خ/ ۱۲۸۷ ق تولد یافت.^{۴۶} وی حدود ۶۰ سال ضابطی انگلی را به عهده داشت.

احمدخان هرگاه دولت نیاز به جمع‌آوری مالیات نواحی حاشیه خلیج فارس و برخورد با حکام یاغی داشت نیروهایی را به یاری حکمران بنادر می‌فرستاد. در مورد نقش تفنگچیان انگلی در تصرف بندر لنگه، سیدی‌السلطنه فرمانده این لشکرکشی گزارش می‌دهد که:

در شعبان سال ۱۳۱۶ ق/ دسامبر ۱۸۹۸ از طرف دریابیگی در راس قشونی متشكل از ۹۷ نفر انگلی به ریاست نجفقلی خان انگلی، ۷۳ نفر چاه کوتاهی به ریاست شیخ ناصر و شیخ صالح خان چاه کوتاهی، صد نفر سرباز فریدن به ریاست ناصر قلی خان یاور و ده نفر توپ‌چی به اتفاق مسیو پریم بلژیکی مأمور مناظره گمرکات به طرف لنگه حرکت کرد. از شیخ محمد بن خلیفه (جواسم) مالیات بندر لنگه را دریافت کرد. در روز ۲۳ رمضان ۱۳۱۶ ق احمدخان دریابیگی نیز با کشتی پرس پلیس به عسلویه آمد و پرس پلیس را به لنگه فرستاد و سیدی‌السلطنه را به نزد خویش طلبید. سیدی‌السلطنه علاوه بر چریک انگلی، چاه کوتاهی و... ۱۲۸ نفر چریک داشتی به ریاست احمدخان داشتی را نیز بر استعداد سابق افزود و به اتفاق همراهان و پرس پلیس شب ۱۷ شوال از عسلویه حرکت کرد و در شب ۱۹ شوال ۱۳۱۶ ق بندر لنگه را تصرف کردند محمد بن خلیفه جواسم (قواسم) فرار کرد و به عمان و دبی رفت. سیدی‌السلطنه فرمانده این عملیات نظامی گزارش می‌دهد: «محمد امین و رضا از اهل انگلی و راشد از اهل داشتی و غانم و حاجی از اهل چاه کوتاه و دو سرباز و دو توپ‌چی محروم و دو نفر از اهل انگلی و یک سرباز مقتول شده... دریابیگی با استعداد خود تا سیم ربیع الاول ۱۳۱۷ ق در لنگه توقف کرده... املاک محمد بن خلیفه و سید یوسف [مهرکانی] ضبط دولت شده و در هشت هزار تومان، معین التجار ابیاع کرد...»^{۴۷}



سدید السلطنه در ادامه این گزارش به جزئیاتی دیگر از حضور انگالی‌ها در این جنگ می‌پردازد و به شیخ شهاب (کخدای روستای رستمی از رود حله جنوبی) در کتار نام نجفقلی‌خان انگالی به عنوان سرکرده تفنگچیان انگالی اشاره می‌کند.^{۴۸}

گزارش‌های روزانه بالیوزگری انگلیس در بوشهر نشان می‌دهد شیخ حسین چاه کوتاهی که راه خشکی بوشهر به برازجان را در دست داشت، به طور دائم تلاش می‌کرد که راه تجاری بوشهر-شیف-برازجان بسته بماند تا درآمد راهداری و فروش علوفه به بهای گراف، حاصل از عبور کاروان‌ها فقط عاید چاه کوتاه شود.^{۴۹} در مقابل نیز احمدخان انگالی کوشش می‌کرد که با پیشکش اسب^{۵۰} یا وجه نقد^{۵۱} یا چک بانکی^{۵۲} نظر حکمرانان بوشهر را به منظور حمایت از عبور کاروان‌های تجاری از مسیر دریایی شیف (انگالی) جلب کند که هریار به مدت کوتاهی عبور از راه شیف مجاز می‌شد ولی بلافصله با دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها^{۵۳} که حامی راه خشکی (احمدی) بودند و تهدیدات حسین‌خان مبنی بر تصرف نظامی بوشهر^{۵۴} یا عدم پرداخت مالیات^{۵۵}، راه شیف بسته و غیر مجاز اعلام می‌شد. رقابت بر سر این دو راه تجاری بخش عمدی ای از در گیری‌های این دو بلوک همسایه را پوشش می‌دهد.^{۵۶}

در اوایل فروردین تا نیمه خرداد ۱۲۸۸ خ سید مرتضی اهرمی هماهنگ با ملیون در سراسر کشور، علیه محمدعلی شاه مستبد، قیام نافرجامی را آغاز کرد و به اتفاق تفنگچیان محلی بر گمرک و دیگر ادارات بوشهر به مدت ۷۵ روز تسلط یافت که احمدخان انگالی نیز از پاری دهندگان سید بود.^{۵۷} در بامداد ۱۲۸۸/۱/۲۱ جنگ هیاهویی بین تعدادی از تفنگچیان انگالی و تنگستانی [چاه کوتاهی] در محل روستای سنگی در اطراف بوشهر رخ داد در این حادثه یک نفر تنگستانی جان باخت و یک نفر انگالی زخمی شد.^{۵۸}

چندی بعد وقتی انجمن محلی بوشهر انتظامات شهر را به شیخ حسین‌خان چاه کوتاهی واگذار کرد.^{۵۹} باعث مخالفت احمدخان شد با این استدلال که بوشهر محل داد و ستد تمام طوایف است و انگالی‌ها و چاه کوتاهی‌ها نیز دشمن خونی هستند.^{۶۰} که شیخ حسین به منظور پایان دادن به این اختلافات به بندر ریگ رفت و حیدرخان حیاتداودی سازشی میان آن دو برقرار کرد.^{۶۱}



در آغاز جنگ جهانی اول از سویی جاقدادگی و میانسالگی احمدخان و از طرفی دشمنی دیرینه‌ای که در میان او و خوانین چاه کوتاهی وجود داشت باعث شد او در جنگ جهانی اول از ورود در درگیری و زد و خوردگاهی خوانین همسایه و انگلیس پرهیز کند. عدم مداخله و پیش گرفتن سیاست نرم و آرامی که با نظر دولت وقت و نظر حکمران بنادر نیز همراه و هماهنگ بود، باعث شد برخی از نویسندها که هودار خوانین تنگستان این سیاست او را محکوم به خیانت کنند که البته برای آگاهان به تاریخ انگلی این موضوع مسئله‌ای عادی است. اگرچه تحریکات نظامی انگلیس در نواحی تنگستان فرصتی مناسب برای سرکوب رقیب دیرینه و دشمن همسایه بود اما او که همواره در سال‌های گذشته به هنگام تلاش برای باز کردن راه شیف با مخالفت انگلیسیان و چاه کوتاهی‌ها روبه رو شده و عملاً در تنگی اقتصادی قرار گرفته بود در آن برهه که هر دو دشمن دیرینه‌اش رود روى هم ایستاده بودند. به یاری هیچ کدامشان نخاست. حتی وقتی که انگلیس خواهان انتقال نیروهایش از ناحیه انگلی به سمت شیراز شد احمدخان با آنها موافقت نکرد.^{۶۲}

یکی از وقایع مهم تاریخ نواحی ساحلی خلیج فارس؛ ماجراهی قتل شیخ حسین خان چاه کوتاهی (۱۳۳۸ق) می‌باشد.

در سال ۱۳۳۸ میان شیخ عبدالخان که با نفوذ انگلیسی‌ها ضابط چاه کوتاه شده بود و برادرش شیخ حسین که از منصب ضابطی آنجا کنار گذاشته شده بود جنگ شدیدی در گرفت بنا به در خواست شیخ عبدالخان مقامات انگلیسی یک گردان از افراد پلیس جنوب را به فرماندهی کاپیتان کلک از کازرون به کمکش فرستادند و احمدخان انگلی که همواره در هنگام درگیری‌های شیخ حسین و برادرانش جانب مخالفان شیخ حسین را می‌گرفت، فرزند ارشدش عباسقلی خان را به سرکردگی تفنگچیان انگلی بنا به تقاضای شیخ عبدالخان به روستای تل اشکی که محل درگیری دو برادر بود فرستاد که بر اثر زد و خورد طرفین شیخ حسین خان و یک نفر از پسرانش و چند نفر از تفنگچیانش کشته شدند.^{۶۳}



جنگ انگالی و شبانکاره

وزیر داخله علی منصور در نامه‌ای به تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۰۵ از وزارت مالیه گلایه دارد که چرا مالیات دشتی و دشتستان را به احمدخان انگالی که یکی از خوانین محلی می‌باشد اجاره داده است. او گزارش می‌دهد: امروز تلگرافی از ایالت (فارس) رسیده که به واسطه این اقدام زد و خورد شدیدی بین اهالی (دشتستان و انگالی) واقع شد که پنج نفر مقتول شده‌اند و خواستار اصلاح این وضعیت شده است.^{۶۴}

احتمالاً این سند نیز اشاره به جنگی دارد که میان انگالی و شبانکاره روی داد و محمد باقرخان پسر جوان احمدخان در آن کشته شد.^{۶۵}

احمدخان ذوق ادبی داشت اشعار بسیاری از سرودهایش موجود است.^{۶۶} او در بامداد چهارشنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۳۰ در هنگامی که خطر سیل و آب گرفتگی روستای انگالی را تهدید می‌کرد بر بالای بام رفت و در حالی که مردم را برای ایجاد سیل بند و جلوگیری از خسارات آن دعوت می‌کرد از پشت بام افتاد و درگذشت.^{۶۷} از دوره ضابطی احمدخان رخدادهای بسیاری در منابع دیده می‌شود^{۶۸} که به منظور اختصار در این نوشته از آنها چشم پوشی می‌شود.

پیوست‌ها

یک جدول از اسامی روستاهای انگالی به نقل از منابع.

سه نقشه از انگالی

عکس احمدخان انگالی

شجره‌نامه خوانین

هفت قطعه عکس از مزارع، روستاهای و قلعه انگالی.



نام روستا	پلی ۱۲۸	فارسename ناصری	دومو رینی ۱۹۱۱	لوریمر ۱۹۰۶	سدیدالسلطنه ۱۳۰۸	کشاورزی خ/۱۳۱۴	استناد بهاروند ۱۳۷۱	جغرافیای سیاسی	دکتر حمیدی ۱۳۸۱
احشام حسن									۱
احشام شمالی									۲
احشام شیخی								+	۳
انگالی	+								۴
برخوردار			+						۵
خشم				+					۶
خشم برخوردار					+				
خشم شیخ						+			۷
خشم کل برخوردار								+	۸
تل بھی		+	+	+	+	+	+	+	۹
جیمه						+	+		۱۰
حسن			+						۱۱
خشم				+					۱۲
کول									
حسن									
حسن نظامی								+	۱۳
حسین محمد قلی								+	۱۴
خشم					+				۱۵

									محمد قلی	
+	+	+	+	+	+	+	+	+	حیدری	۱۶
								+	ده نو	۱۷
+			+	+					زردکی	۱۸
	+				+				زردکی بزرگ	۱۹
	+				+				زردکی کوچک	۲۰
+			+	+	+				زندان	۲۱
		+							؟ سهمی	۲۲
+		+	+	+	+	+	+		سهیلی	۲۳
+			+		+		+		شیف	۲۴
	+	+	+	+	+	+	+		محمد شاهی	۲۵
		+		+		+		+	نوکار	۲۶
+	+		+	+			+		نوکار گزی	۲۷
+	+	+	+		+	+	+		نوکار نخلی	۲۸
+		+	+	+	+		+	+	هفت جوش	۲۹
	+			+					هپلو	۳۰
						+	+		سرمل	۳۱
						+	+		قلعه سوخته	۳۲
						+	+		کره بند	۳۳



پیوشت‌ها

۱. سالنامه آماری ...، ۱۳۸۱، ص ۸.
۲. گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس...، ص ۴۴.
۳. کازرونی، ص ۵۶.
۴. گزارش‌های روزانه بالیوزگری...، ص ۱۶۱ (نسخه قبل از چاپ) گزارش ۱۲ آوریل ۲۳/۱۹۰۸ فروردین ۱۰/۱۲۸۷ ربيع الاول ۱۳۲۶.
۵. نزهت الاخبار، ص ۷۴ میرهنا و شهر دریاه، ص ۱۰۷، فارسنامه ناصری، ص ۴-۱۳۲۳؛ دومورینی، ص ۱۳۱؛ لوریمر، ص ۱۵۰-۱۴۸؛ سدید السلطنه، ص ۱۵۰؛ امان اللهی بهاروند، ص ۲۴۹؛ فرهنگ‌نامه بوشهر- ذیل اسامی روستاه‌ها و لغت‌نامه دهخدا.
۶. لوریمر، ص ۱۴۷.
۷. پیشین.
۸. لوریمر- پیشین، فرهنگ جغرافیایی کشور، جلد ۱۰۱، ص ۲ و
۹. مطبوعات بوشهر...، ص ۲۳۴، فرهنگ نامه بوشهر، ص ۹۳.
۱۰. از گفتار کامیار انگلی (۱۳۸۶- زمستان ۱۳۸۶) و شهرسیزی، پاورقی، ص ۳۵ (از نژاد انگلیسی...).
۱۱. فارسنامه ناصری، ص ۱۳۳۲.
۱۲. امان اللهی بهاروند، ص ۲۴۹.
۱۳. میرهنا و شهر دریاه، ص ۱۰۷.
۱۴. امان اللهی بهاروند، پیشین.
۱۵. گفتار حاج غلامعلی نوروزی از آگاهان به تاریخ شفاهی انگلی، (زمستان ۱۳۸۶).
۱۶. امان اللهی بهاروند، پیشین.
۱۷. لوریمر، ص ۱۶۴.
۱۸. پیشین، ص ۱۵۰-۱۴۸.
۱۹. پیشین، ص ۱۴۸.
۲۰. از گفتار حاج غلامعلی نوروزی.
۲۱. فرهنگ جغرافیایی کشور، جلد ۱۰۱، ص ۳.
۲۲. گفتار عباس مجرد، (۱۳۸۳) و ر.ک هفت شهر لیراوی ...، ص ۱۹۹ و ص ۱۶۳ و سند ۱۲ پیوست.
۲۳. لوریمر، ص ۱۴۹.
۲۴. فرهنگ جغرافیایی کشور، جلد ۱۰۱، ص ۳۵. در شرح نژاد مردم گناوه می‌نویسد: «... گروه کوچکی نیز که موسوم به انگاری [انگلی] هستند مربوط به پرتغالی‌ها می‌باشد...».
۲۵. کازرونی، ص ۵۳.
۲۶. میرهنا و شهر دریاه، پیشین.
۲۷. لوریمر، ص ۱۴۷.
۲۸. راویان حاج غلامعلی نوروزی و عباسقلی فتحی و خانم بکزاده انگلی (دختر احمدخان).
۲۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پوشه اسناد شماره ردیف ۲۴۰۰۲۵۲۴۸
۳۰. پیشین.

۳۱. پیشین.
۳۲. اتابک زاده، ص ۱۶۴؛ شهرسیزی، ص ۳۶.
۳۳. فراشبندی، خاندان تنگستانی، ص ۱۱-۱۰ (از رئیس حسن و رئیس حسین خان تنگستانی فرزندان رئیس احمدشاه تنگستانی نامبرده ولی به چگونگی در گذشت آنها اشاره ای نکرده است).
۳۴. این لقب را استاد حسینقلی خان انگالی مذکور شدند.
۳۵. گفتار حاج غلامعلی نوروزی (از شیخ درویش آل مذکور در منابع نامی دیده می شود و ولی در منابع موجود نامی از مظفرخان دشتی دیده نمی شود).
۳۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ردیف پیشین.
۳۷. راویان حاج غلامعلی نوروزی و عباسقلی فتحی.
۳۸. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ردیف پیشین.
۳۹. پیشین.
۴۰. میر مهنا و شهر دریاها، پیشین.
۴۱. فارسانه ناصری، ص ۱۳۲۳.
۴۲. راویان حاج غلامعلی نوروزی و عباسقلی فتحی.
۴۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ردیف پیشین و گفتار خانم بکزاده انگالی.
۴۴. اسناد و خاطرات...، معصومه مافی، ص ۴۳۰.
۴۵. اتابکزاده، ص ۱۶۴؛ شهر سیزی، ص ۳۵-۳۷.
۴۶. فرهنگ نامه بوشهر، ص ۹۳ (۱۲۴۸) خ را صحیح می داند ولی با استناد به قطعه شعری اثر فرزندش حسینقلی انگالی ۱۲۴۹ را پذیرفتم... هشتاد و یک گذشته ز عمرش نموده بار).
۴۷. سفرنامه سدید السلطنه، ص ۶۰۸-۶۰۹.
۴۸. پیشین، ص ۶۱۰.
۴۹. گزارش های روزانه باليزگري...، ص ۱ (دسامبر ۱۹۰۶) ص ۱۴۴ (مارس ۱۹۰۸) ص ۱۵۳ (مارس ۱۹۰۸).
۵۰. پیشین، ص ۲۳ (فوریه ۱۹۰۷-محرم ۱۳۲۵).
۵۱. پیشین، ص ۷۷ (آوریل ۱۹۰۷/۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۵).
۵۲. پیشین، ص ۷۷ (۱۹۰۷/۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۵).
۵۳. پیشین، ص ۱۹۸ (۲ اوت ۱۹۰۸) و ر.ک: گزارش ۷ آوریل ۱۹۰۷ و ۵ مه ۱۹۰۷ و ۱۵ مارس ۱۹۰۸-۱۱ صفر ۱۳۲۶.
۵۴. پیشین، ص ۷۲ (۱۹۰۷ مه ۵-۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۵).
۵۵. پیشین، ص ۲۲۸ (۱۳۲۵) و ص ۲۴۳ (دسامبر ۱۹۰۸).
۵۶. پیشین ص ۱۴۵ (مارس ۱۹۰۸-۴ صفر ۱۳۲۶).
۵۷. پیشین ص ۲۶۷ (۱۴ مارس ۱۹۰۹) و ص ۲۷۱ (۲۸ مارس ۱۹۰۹) و (۱۱ آوریل ۱۹۰۹-۲۲ فروردین ۱۲۸۸-۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۷) و ص ۳۰۲ و ص ۳۰۷، فراشبندی، جنوب ایران در مبارزات...، ص ۴۱، یاحسینی، رئیس علی دلواری، ص ۶۵.
۵۸. گزارش های روزانه باليزگري...، ص ۲۸۵ (۱۱ آوریل ۱۹۰۹).
۵۹. پیشین ص ۳۰۲ (گزارش ۱۰ تا ۱۵ آوریل ۱۹۰۹)، ص ۳۰۷ (۲۵ آوریل تا ۰۲ مه ۱۹۰۹).
۶۰. پیشین ص ۳۰۲.



۶۱. پیشین ص ۳۲۹ (۶ زوئن ۱۹۰۹- ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۷- ۱۶ خرداد ۱۲۸۸).
۶۲. بیات، کاوه، جنگ جهانی اول... ص ۳۶.
۶۳. فراشبندی، جنوب ایران...، ص ۳۲۲-۳۲۳.
۶۴. سازمان اسناد ملی...، پیشین.
۶۵. دفترچه یادداشت های الله کرم خان محمدی (انگالی).
۶۶. دریانورد، غلامحسین، سیمای گناوه، (زنگینامه و یک قطعه شعر)، دکتر حمیدی، استان زیبای بوشهر ص ۲۳۴.
۶۷. دکتر حمیدی، فرهنگ نامه بوشهر، ص ۹۳.
۶۸. اتابک زاده، ص ۱۶۷ (جنگ برازجانی ها علیه انگالی...)، خلیفه زاده، هفت شهر لیروای و بندر دیلم، ص ۳۴۸ (شرکت احمدخان در نهضت جنوب) سازمان اسناد ملی... (چگونگی تصرف رود حله توسط احمدخان انگالی در سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ق).

گفتگوها

- ۱- استاد حسینقلی انگالی (زمستان ۱۳۸۶)
- ۲- عباسقلی فتحی
- ۳- عباس مجرد
- ۴- ابراهیم محمدی
- ۵- حاج غلامعلی نوروزی

اسناد

- مجموعه اسناد مرتبط با انگالی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۴۰۰۲۵۲۴۸
دستنوشته ها
- دفترچه یادداشت های ادبی- تاریخی الله کرم خان محمدی (انگالی)
یادداشت های عباس مجرد.

منابع

- استان زیبای بوشهر، حمیدی دکتر سید جعفر، بوشهر: شروع، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- اسناد و خاطرات حسینقلی خان نظام مافی، معصومه مافی.
- بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل المتن، مظفری)، حمیدی دکتر سید جعفر، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، کازرونی محمد ابراهیم، به کوشش: دکتر ستوده منوچهر، مؤسسه جهانگیری، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- جایگاه دشتستان در سرزمین ایران، سروش، اتابک زاده، انتشارات نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۳.



- جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۴-۱۹۲۱، مترجم: کاوه بیات، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس علی دولاری، بوشهر، چاپ اول، ۱۳۷۳).
- جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، فراشبندی علیمراد، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- چالش قدرت وثروت در جنوب ایران، گرمون استفان رای، ترجمه حسن زنگنه، همسایه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- خاندان تگستانی، علیراد فراشبندی، انتشارات گهر، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵.
- دلاوران دشتستانی، اسماعیل شهر سبزی، نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- راهنمای خلیج فارس و جغرافیای استان بوشهر، ج.ج. لوریمر، ترجمه سید محمد حسن بنوی، نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- رئیس علی دولاری تعاظر نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، سید قاسم یاحسینی، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- سالنامه آماری استان بوشهر، تهیه شده در معاونت آمار و اطلاعات؛ ناشر: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- سفرنامه ساید السلطنه، به کوشش: اقتداری احمد، به نشر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- سیمای بندر گناوه در هفت آینه، دریانورد غلامحسین، هیرمند، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- عشایر فارس، ژ. دومورینی، ترجمه جلال الدین رفیع‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- فارسنامه ناصری، ۲ جلد، حسینی فسایی میرزا حسن، به کوشش منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور... گناوه و بوشهر، جلد ۱۰۰ و ۱۰۱، اداره جغرافیایی ارتش، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- فرهنگ نامه بوشهر، حمیدی دکتر سید جعفر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- قوم لر، امان اللهی بهاروند دکتر سکندر، آگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- گزارش‌های روزانه بایوزگری انگلیس در بوشهر، ترجمه زنگنه حسن (براساس نسخه قبل از چاپ).
- گزارش‌های سالانه سر پرسی کاکس سر کنسول انگلیس در بوشهر (۱۹۰۵-۱۹۱۱، ۱۳۲۹-۱۳۳۳)، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش مشایخی عبدالکریم، مرکز مطالعات بوشهرشناسی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.
- میر مهنا و شهر دریاها، ترجمه حسن زنگنه، همسایه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- نزهت‌الاخبار، حقایق نگار خورموجی میرزا جعفرخان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- هفت شهر لیاوی و بندر دیلم، علیرضا خلیفه زاده، انتشارات شروع، بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

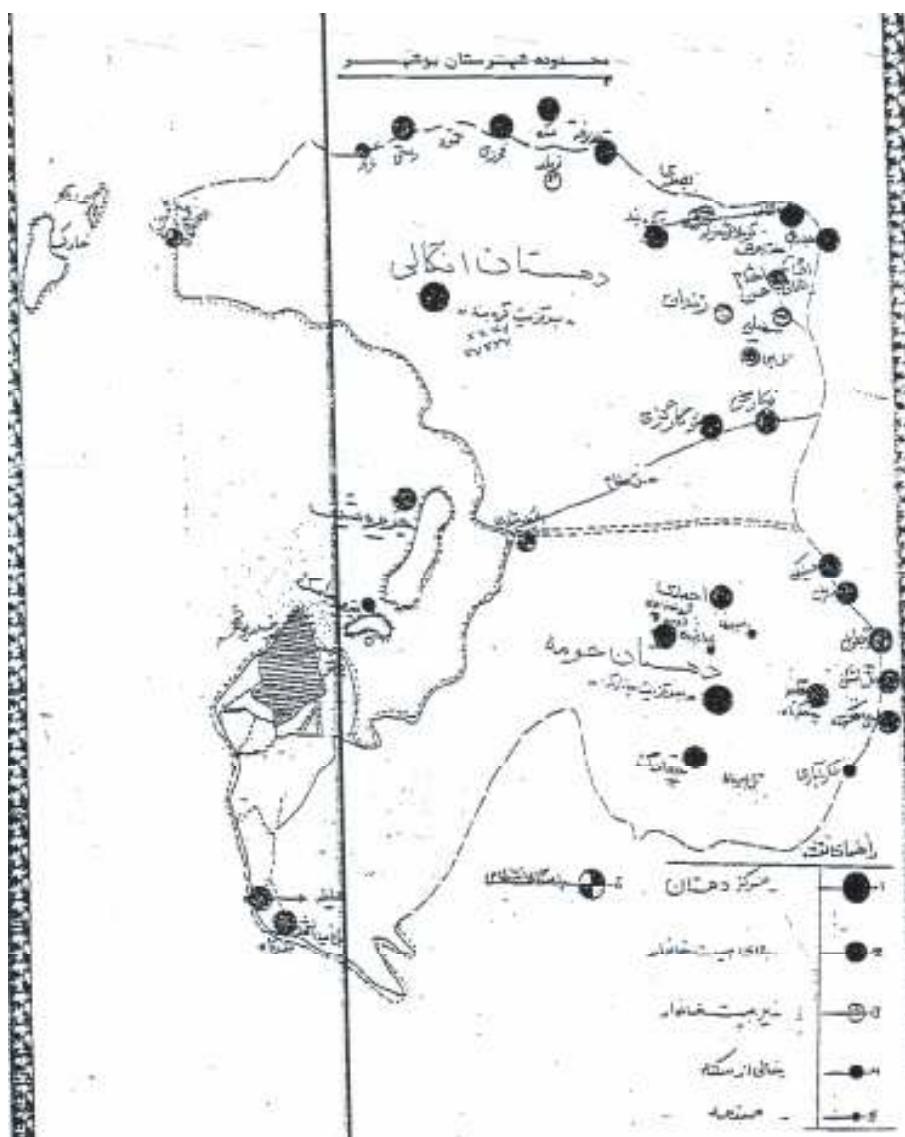


احمدخان انگالی





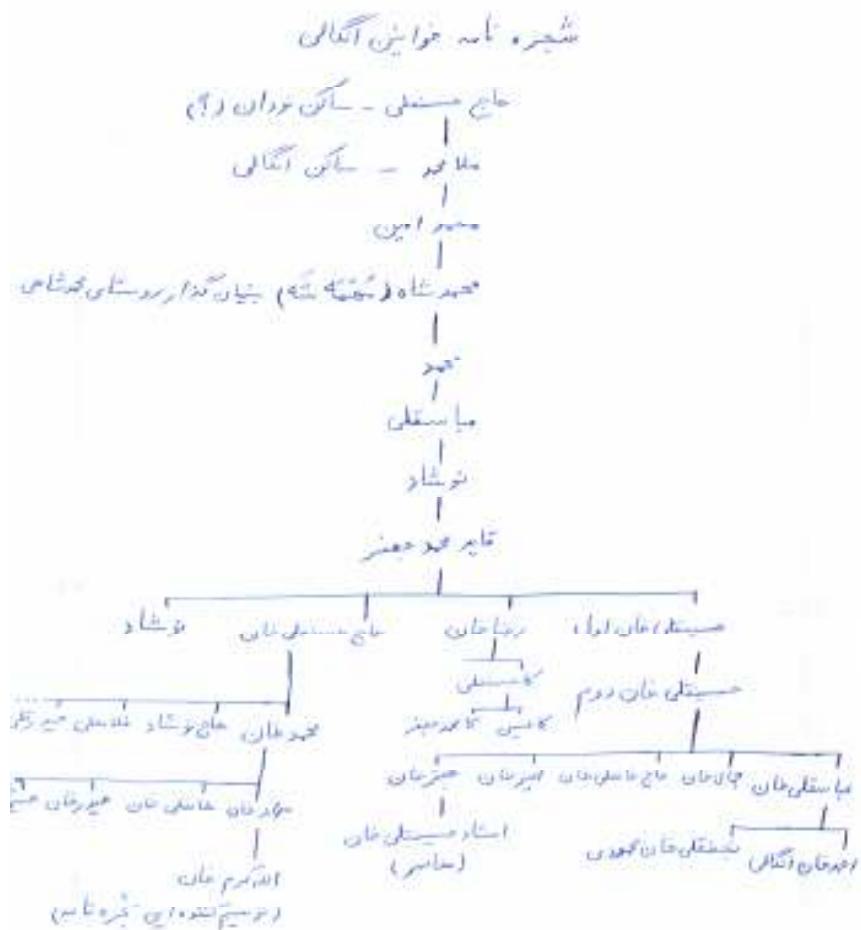












○ هسته انتظامی از بزرگی از اسطاعت - بجزون اولویت بخوبی صرف نظر شود.